

# پیوست و ازه های ایهام بر انگریز

کام خواسته و آرزو  
دهان باقی ماندگار  
دام حیوان  
تله

بهشت گذاشت  
فردوس خود خوش  
خوب خوششوند  
خطر کار خطرناک  
کار مهم

31

رخ چهره  
مهره‌ی شترنج  
باد جریان هوا  
باشد(فعل دعایی)  
دوش دیشب  
شانه

مدام همیشه- جاوید  
شراب 1000 هزار  
بلبل آیت نشانه  
آیه

کیمیای سعادت رمز خوشبختی  
نام کتابی از غزالی  
راه زدن دزدی  
نواختن سهل آسان  
هموار

لاله گل لاله  
نوعی چراغ  
چنگ پنجه  
نوعی ساز  
دل سیه بد دل  
درون سیاه

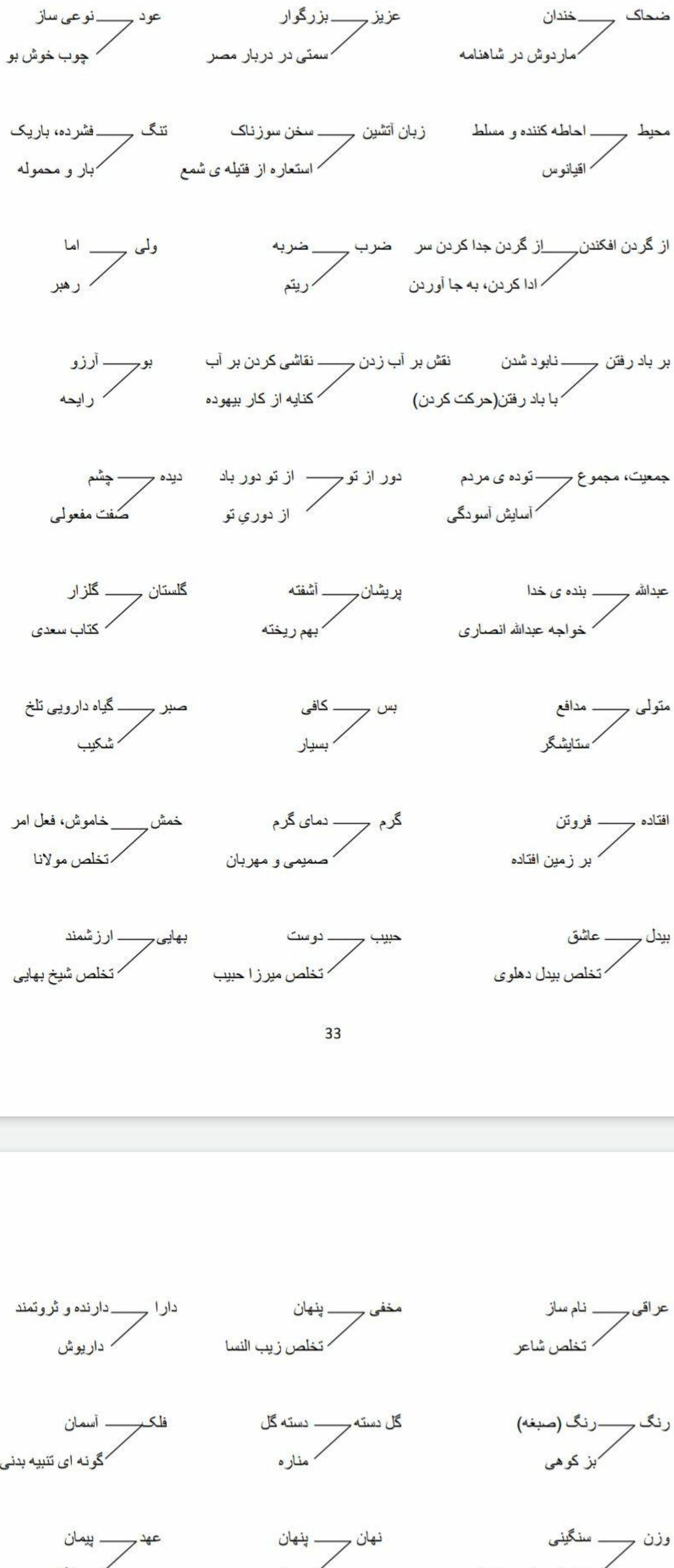
شیرین مزه شیرین، دلچسب  
معشوقه‌ی خسرو  
جولان تاخت و تاز  
نام تپه‌های فلسطین  
مردم انسان‌ها  
مردمک

رھی رھو  
تخلص رھی معیری  
لب عضوی از دهان  
کنار، ساحل  
شکر خوراکی  
مشوقه‌ی خسرو

بی خبر بی اطلاع  
مدھوش  
دیوانگان بد سرستان  
کم خردان  
رشته نوعی بیماری  
نخ و ریسمان

خاک لاله رو خاک زیبارو  
خاک لاله روینده  
دیوان دفتر شعر  
هیولاها  
وفا و مهر معنای ظاهری  
نام داستانی به همین نام

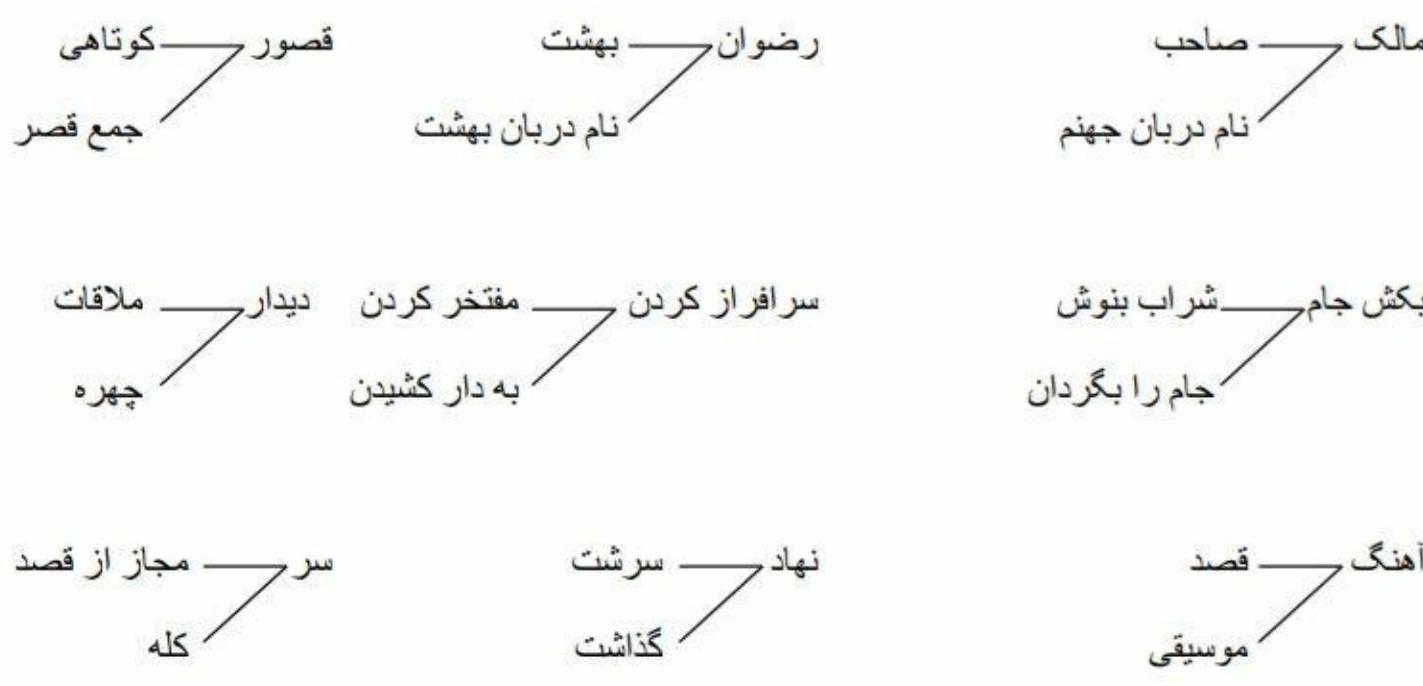
کی چه وقت؟  
پادشاه  
جهان جهنه و کوتاه مدت  
دنیا  
دوراندیش آینده نگر  
جدایی طلب





34

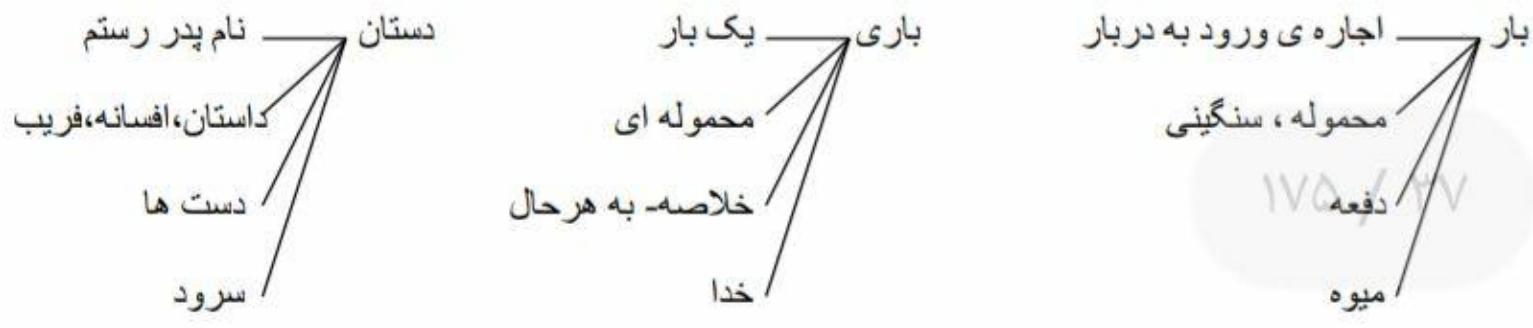
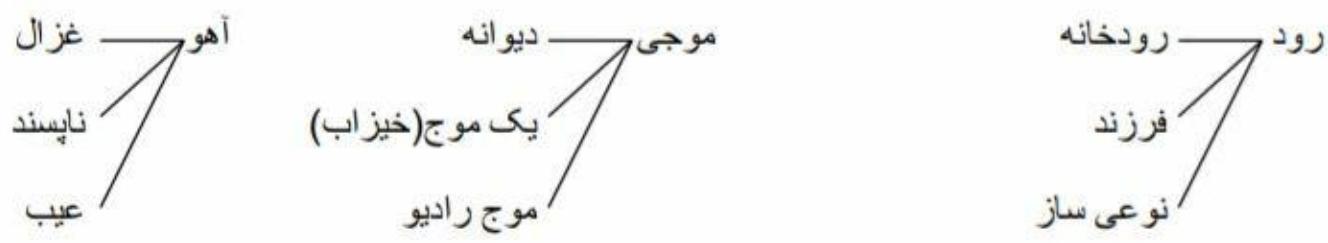
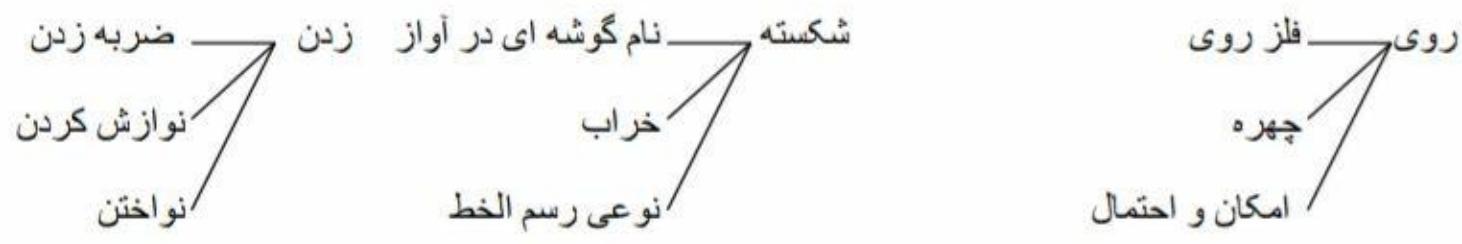




35

۱۷۵ / ۲۶





### نمونه هایی از ایهام در شعر فارسی

کور شد این دل فقد در چه تاریک غم  
 خانه زندان است و نتهایی ظلال  
 ای دمت عیسی دم از دوری مزن  
 جان ریخته شد با تو آمیخته شد با تو  
 نرگس مست نوازش گر مردم دارش  
 ما در پیاله عکس رخ بار دیده ایم  
 چشمی خورشید تویی سایه گه بید من

باد ازین کورتیر گر نگران تو نیست  
 هر که چون سعدی گلستانیش نیست  
 من غلام آن که دوراندیش نیست  
 چون بیوی تو دارد جان، جان را هله بنوازم  
 خون عاشق به قدح گر بخورد نوشش باد  
 ای بی خبر ز لذت شرب مدام ما  
 چون که زدی بر سر من پست و گدازنه شدم